

## مقدمه

جغرافیای سیاسی در تقسیم‌بندی‌های علمی به عنوان شاخه‌ای از جغرافیای انسانی شناخته شده است و دربارهٔ موضوع و مفهوم آن، اختلاف نظر وجود دارد. مفاهیم و مباحث جغرافیای سیاسی از دیرباز مطرح بوده و رابطه بین محیط و عوامل جغرافیایی با رفتار سیاسی انسان، در آثار فلاسفه یونان قدیم، دانشمندان اسلامی چون ابن‌خلدون و دانشمندان عصر جدید چون منتسکیو و ... مورد توجه قرار گرفته است. اساس علمی این شاخه جغرافیا، در اواسط قرن هجدهم توسط ایمانوئل کانت و در اواخر قرن نوزدهم توسط فریدریش راتزل، جغرافیدان آلمانی، گذاشته شد. حوادث جنگ جهانی دوم به دلیل گرایشهای ژئوپلیتیک این شاخه در آلمان، تا اندازه‌ای بر پیشرفت علمی آن، تأثیر منفی به جای گذاشت و موجبات غفلت جغرافیدانان از این رشته را فراهم آورد. این حادثه همچنین در پیدایش رویکردهای جدید به جغرافیای سیاسی نظیر دیدگاه «تفاوت‌های مکانی» و دیدگاه «ناحیه‌ای و فضایی» مؤثر بود و دیدگاه «اکولوژیک» را در جغرافیای سیاسی تا اندازه‌ای منزوی ساخت. از حدود دههٔ هشتاد قرن بیستم، جغرافیای سیاسی به طور کلی و ژئوپلیتیک به طور خاص، دچار تحول شد و گرایش عمومی نسبت به این مباحث هم در بین جغرافیدانان و هم در بین علاقه‌مندان سایر رشته‌ها به ویژه سیاستمداران افزایش یافت. در ایران، گرایش به جغرافیای سیاسی گسترش نظام علمی آن را در کشور سرعت بخشید.

جغرافیای سیاسی از دیدگاه توصیفی، به مطالعه و کالبدشکافی نواحی متشکل و سازمان‌یافتهٔ سیاسی، نظیر کشورها و دولت‌های مستقل و تحلیل رفتار آنها می‌پردازد. از دیدگاه علی و معلولی، موضوع دانش جغرافیای سیاسی را کنش متقابل متغیرهای

سیاسی با متغیرهای فضایی - جغرافیایی تشکیل می دهد.

صاحب نظران، متناسب با هر یک از رویکردهای مزبور تعریف خاصی برای جغرافیای سیاسی ارائه داده اند که برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد؛ جغرافیای سیاسی عبارت است از:

۱. تحلیل فضایی پدیده های سیاسی و مطالعه تظاهرات و ویژگی های فضایی رویدادهای سیاسی<sup>۱</sup>؛

۲. بررسی تفاوتها و تشابهات سیاسی مناطق و رابطه آنها با دیگر تفاوتها و تشابهات جغرافیایی<sup>۲</sup>؛

۳. تشخیص و مطالعه پدیده های سیاسی در محتوای فضایی (روی زمینی) آن<sup>۳</sup>؛

۴. مطالعه روابط موجود میان فعالیت سیاسی انسان و محیط طبیعی او؛

۵. مطالعه کنش متقابل ناحیه جغرافیایی و فرایند سیاسی (تعریف کمیته ویژه انجمن جغرافیدانان امریکا)<sup>۴</sup>؛

۶. مطالعه نواحی سیاسی یا دولتها: بر این اساس پیرسی<sup>۵</sup> و الکساندر معتقدند جغرافیای سیاسی عبارت است از: «تحلیل و تشریح نواحی سازمان یافته». جکسون می نویسد: جغرافیای سیاسی عبارت است از «مطالعه پدیده های سیاسی در بستر ناحیه ای آنها»<sup>۶</sup>؛

۷. جغرافیای سیاسی اساساً درگیر تحلیل فضایی پدیده های سیاسی است و به نمادهای فضایی فرایند سیاسی توجه دارد<sup>۷</sup>؛

۸. تعریف نگارنده از جغرافیای سیاسی عبارت است از: «علم مطالعه روابط جغرافیا با سیاست و تبیین پدیده های ناشی از تأثیر آنها بر یکدیگر».

۱ و ۲. میرحیدر، درّه، مبانی جغرافیای سیاسی، ص ۴ و ۹.

۳. مجتهدزاده، پیروز، جغرافیا و سیاست در فرایندی نوین، ص ۱۲۳.

4. Glassner, 1993, p. 3.

5. Percy

6. Dwivedi, 1990, p. 3.

۷. درایسدل، و جرالداچ. بلیک، ۱۳۶۹، ص ۹.

بررسی منابع موجود جغرافیای سیاسی تاکنون، نشان‌دهنده غلبه دیدگاه ناحیه‌ای در این رشته علمی است. در این دیدگاه کشور به عنوان یک پدیده سیاسی - جغرافیایی مطالعه، کالبدشکافی و تجزیه و تحلیل می‌شود. در واقع منابع جغرافیای سیاسی عمدتاً بر پدیده «کشور»<sup>۱</sup> یا ناحیه سازمان‌یافته سیاسی به عنوان موضوع جغرافیای سیاسی تمرکز دارد و به بررسی و تشریح کالبد، عناصر، ویژگیها و رفتار حکومت آن می‌پردازد؛ بنابراین جنبه‌های مختلف کشور نظیر علت پیدایش، موقعیت، کانون سیاسی، ویژگیهای سرزمینی، ملت، حکومت و یا نظام سیاسی، ساختار سیاسی فضا، الگوی فضایی توزیع قدرت، روابط میان دولت با دولتهای دیگر، قدرت ملی، الگوی مدیریت سرزمین، روابط سطوح مختلف حکومت با شهروندان در اداره امور کشور، در کانون توجه مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد. در این کتاب نیز که مطالعه جغرافیای سیاسی ایران موضوع آن قرار داده شده است، دیدگاه حاکم، دیدگاه ناحیه‌ای است و عناصر ساختاری کشور در ایران از این منظر بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند.

بر این اساس، کتاب *جغرافیای سیاسی ایران* در شش فصل به بحث در مورد عناصر اصلی کشور ایران، شامل علت وجودی، سرزمین، ملت، حکومت، ساختار سیاسی فضا و الگوی فضایی قدرت سیاسی و اجرایی پرداخته است.

کتاب مزبور در چاپ اخیر مورد بازنگری قرار گرفت و ضمن انجام اصلاحات ضروری در متن فصول، نسبت به روز کردن آمارهای مختلف و اصلاح جداول آن اقدام شد. علاوه بر آن در ضمایم کتاب نیز تجدید نظر به عمل آمد و حذف و اضافات لازم انجام شد.

دشواری تدوین و تألیف درباره جغرافیای سیاسی ایران، به دلیل سرشت تحقیقاتی برخی موضوعات و مباحث آن و محدودیت یا فقدان پیشینه تحقیقاتی در این باره، بر کسی پوشیده نیست؛ قطعاً این اثر نیز با توجه به اینکه اولین تجربه در

۱. واقعیت سیاسی، جغرافیایی و عینی مرکب از عناصر، سرزمین یا قلمرو فضایی، ملت و نظام سیاسی که معمولاً در جغرافیای سیاسی از آن به State تعبیر می‌شود.

تدوین جغرافیای سیاسی ایران به شمار می‌رود، خالی از اشکال و کاستی نیست؛ بنابراین از خوانندگان محترم به ویژه استادان گرامی و دانشجویان عزیز جغرافیا خواهشمند است نگارنده یا ناشر را از نظریات انتقادی و اصلاحی خود آگاه کنند.

محمد رضا حافظ‌نیا

تهران ۱۳۹۲